



تأثیرات عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمین و محکومین جرائم مواد مخدر

سیدحسین حسینی*، محمد سلطانی**، صادق صفری***

چکیده

توسل بیش از حد مقنن به مجازات‌های شدید، از جمله حبس‌های طولانی مدت و اعدام به وضوح در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به چشم می‌خورد. اما مذاقه در رویه قضایی موجود در این زمینه حکایت از این دارد که علی‌رغم اینکه به موجب نصوص قانونی در خصوص بسیاری از بزه‌کاران این حوزه باید احکام سنگین اعدام یا حبس ابد صادر و اجرا شود، در بسیاری از موارد شاهد این هستیم که تمایل رویه قضایی به صدور چنین احکامی بسیار کم است و بنا به دلایل متعددی قضات از صدور چنین احکامی امتناع می‌ورزند. در این پژوهش برای نشان‌دادن عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی موجود در حوزه جرائم مواد مخدر، نگارندگان نمونه‌هایی از آراء محکومیت صادره در این خصوص را مورد تحلیل قرار داده‌اند. با عنایت به آنکه مجرمان بالقوه در محاسبات قبل از ارتکاب جرم موارد اجرای یک حکم و نه شدت مجازات قانونی را مدنظر قرار می‌دهند، در این راستا و با یک کار میدانی نگرش متهمین و محکومین به اعدام در جرائم این حوزه نیز با طراحی پرسش‌نامه‌ای (قبل از تصویب ماده‌واحد الحاقی اخیر) مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه آنکه عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی در این حوزه بر نگرش متهمین و محکومین مواد مخدر اثرگذار بوده است و نهایتاً منتهی به کاهش اثر اربعایی مجازات‌های سنگین این حوزه خصوصاً اعدام شده است. این موضوع اخیراً توسط مقنن در ماده‌واحد الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مورد توجه قرار گرفت و به نوعی می‌توان گفت تصویب این ماده حکایت از درک پیام رویه قضایی توسط مقنن دارد.

واژگان کلیدی: اعدام، سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، مواد مخدر، مواد روانگردان

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد Shosseini@um.ac.ir
** معاون دادستان عمومی و انقلاب مشهد، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول) soltanimohammad55@yahoo.com
*** دایار دادرسی عمومی و انقلاب مشهد، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد sadehgsafari13@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

مقدمه

ملاحظه سیر قانون گذاری ایران در حوزه مواد مخدر حکایت از این دارد که تا سال ۱۲۹۰ هجری شمسی در ایران، مواد مخدر تابع نظام حقوقی نبود و به عنوان کالای مجاز همانند هر کالای مجاز دیگر مورد خرید و فروش قرار می گرفت. از سال ۱۲۸۹ دولت به فکر نظم بخشیدن به کشت و مصرف مواد مخدر افتاد. قوانین مصوب، در ابتدا صرفاً به نحوه تنظیم کشت مواد مخدر و توزیع آن‌ها در میان مردم پرداختند و در واقع هدف این قوانین ایجاد زمینه ای جدید برای اخذ مالیات از مردم بود. ولی پس از مدتی با افزایش اعتیاد در میان مردم و فشارهای گروه های اجتماعی و مراجع بین المللی، شاهد جرم انگاری در این زمینه بودیم. واکنش مقنن ابتدا با تعیین مجازات جزای نقدی شروع شد و در برخی موارد جزای نقدی با مصادره مواد مخدر ممنوعه و حبس های کوتاه مدت همراه بود و به مرور با اصلاح قوانین بر میزان و شدت مجازات ها افزوده می شد. روند افزایش میزان مجازات ها در مورد جرائم مواد مخدر در سال ۱۳۳۸ به اوج خود رسید و مقنن در این سال با تعیین مجازات اعدام، مبارزه با قاچاق مواد مخدر را وارد مرحله جدیدی کرد.

در سیاست گذاری کیفری، آنچه بیش از هر چیز باید مدنظر مقنن باشد این است که مجازات های سنگینی همچون اعدام، علیه جرائمی به کار برده شود که از لحاظ شدت مکافات ناپذیر به نظر می رسند و تحمیل یک ضمانت اجرای کیفری شدید در مورد آن‌ها به منظور پاسداری از نظم عمومی ضروری باشد. مجازات اعدام باید زمانی اعمال گردد که کوشش های انجام شده به منظور انطباق پذیر ساختن مجدد بزهکار با شکست روبرو شده باشد. در چنین موردی، رسالت فایده گرایی کیفر از طریق حذف و طرد مجرم به اجرا درمی آید و چنین هدفی به وضوح با اجرای مجازات مرگ حاصل می شود (بولک، ۱۳۷۷: ۲۷-۲۶). لذا چنانچه مقنن کیفری در سیاست گذاری کیفری این مهم را مدنظر قرار ندهد و مبادرت به پیش بینی مجازات اعدام برای رفتاری کند، در عمل شاهد آن هستیم که این مجازات در عمل مورد استفاده قضات قرار نگرفته و قضات با واقع بینی سعی در جبران و تعدیل قواعد سختگیرانه این قانون و هم سویی با افکار عمومی^۱ دارند؛ این امر باعث خواهد شد بنا به دلایل عدیده، اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات ها که مهم ترین عامل بازدارندگی است، تا حد زیادی جایگاه خود را از دست بدهد.

پیش بینی چهارده مورد مجازات اعدام برای رفتارهای مختلف در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، باعث شده است این قانون به عنوان قانونی مبتنی بر رویکرد سرکوب گرانه و سختگیرانه شناخته شود. به نظر می رسد مهم ترین توجیه مقنن برای وضع چنین مجازاتی استفاده از اثر ارضایی آن در راستای بازدارندگی عام^۲

۱. افکار عمومی به هیچ وجه قبح اجتماعی جرائم قتل عمد یا تجاوز به عنف را در مقایسه با فروش ۳۱ گرم هروئین در داخل کشور که مجازات همگی اعدام است، به یک میزان بر نمی تابد.

۲. به نظر می رسد اعدام بازدارندگی فردی ندارد. چون صحبت از بازدارندگی فردی جایی است که پس از اجرای مجازات، فرد در جامعه حضور داشته باشد و به لحاظ اثربخشی مجازات از تکرار جرم بپرهیزد؛ در حالی که با اعدام، فرد از جامعه حذف می شود و ارتکاب جرم به وسیله وی موضوعاً منتفی می شود. لذا در مورد اعدام فقط می توان به بازدارندگی جمعی نظر داشت.

باشد. حال چنانچه قضات در عمل ملاحظه کنند با اعمال چنین مجازاتی به اهداف ازپیش تعیین شده نائل نمی‌شوند، موجبات ایجاد فاصله میان سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی فراهم خواهد شد و این موضوع بر نگرش متهمین و محکومین نیز تأثیرات خود را خواهد گذاشت.

مهم‌ترین سؤالی که نویسندگان در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن هستند این است که عدم تبعیت سیاست جنایی قضایی از تقنینی چه آثاری بر نگرش متهمین و محکومین به اعدام در این حوزه دارد. برای این منظور نگارندگان، بدواً برای نشان دادن عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی چند نمونه رأی را با ذکر مبانی استدلال آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار داده و سپس در بخش دوم برای استحکام بیشتر پژوهش، به‌طور خاص آثار عدم هم‌سویی مذکور را در نگرش متهمین و محکومین به اعدام^۱ در حوزه جرائم مواد مخدر مورد بررسی قرار داده‌اند. در قسمت اخیر نویسندگان ضمن طراحی پرسش‌نامه‌ای، آن را در بازه زمانی آبان و آذر سال ۱۳۹۵ (حدود یک سال قبل از تصویب ماده‌واحد الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر) از متهمین و محکومین مستقر در بند ۱۰۱ زندان مرکزی مشهد که ویژه نگهداری متهمین و محکومین به اعدام در حوزه جرائم مواد مخدر می‌باشد و نیز مجتمع قضایی انقلاب مشهد اخذ کردند. نمونه آماری پژوهش نیز از میان تعداد ۴۰۷ نفر از متهمین و محکومین مردی بود که پرونده اتهامی آن‌ها در مراحل مختلف دادرسی اعم از تحقیقات اولیه دادرسی تا طرح در کمیسیون عفو بوده است. نهایتاً بنا به دلایلی تعداد ۶۹ نفر به‌عنوان جامعه آماری برای تحلیل استنباطی این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.^۲ زمان تقریبی صرف شده جهت پُرکردن پرسش‌نامه‌ها، برای هر یک از افراد حسب میزان سواد آن‌ها از ۱۰ تا ۲۵ دقیقه بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات و سنجش متغیرهای تحقیق از پرسش‌نامه‌ای با سؤالاتی به شیوه «طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت» با ارزش‌گذاری (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) استفاده شده است. در این تحقیق روایی^۳ پرسش‌ها، از طریق روایی محتوایی به دست آمد؛ بدین نحو که پس از مذاکره و استماع نظر اساتید حقوق و جامعه‌شناسی و قضات محاکم انقلاب و تجدیدنظر، بر مبنای فرضیات رابطه مؤلفه‌ها و شاخص‌های متغیرهای تحقیق و تعیین مقیاس مناسب (طیف لیکرت) حاصل شد و پس از بررسی نتایج و رفع ایرادات، پرسشنامه نهایی تنظیم و داده‌ها بر مبنای آن به دست آمد.

۱. با توجه به اینکه اوج عدم هم‌سویی سیاست جنایی قضایی و تقنینی مربوط به وضعیتی است که طبق قانون مجازات متهم اعدام می‌باشد، در این قسمت صرفاً نگرش متهمین و محکومین به اعدام مورد تحقیق واقع شده است.
۲. شایان ذکر است با توجه به جدول کرجسی مورگان برای جامعه آماری به تعداد فوق باید حدود ۱۹۶ نفر و طبق فرمول کوکران حدود ۱۹۷ نفر به‌عنوان نمونه مورد تحقیق قرار بگیرند که به‌لحاظ اینکه از کل جامعه آماری موجود، تعداد قابل توجهی از متهمان و محکومان به‌کلی منکر عنوان اتهامی خود هستند که اعمال نظر آن‌ها در نتایج تحقیق موجبات بی‌اعتباری نتایج را به دنبال خواهد داشت، لذا هرچند تعداد کل افرادی که مورد تحقیق واقع شدند بیش از ۶۹ نفر بودند، لیکن نهایتاً برخی افراد از شمار افراد مورد تحقیق حذف شدند و صرفاً پرسشنامه افرادی که به بزه ارتكابی اقرار داشتند، مورد استفاده قرار گرفت.

3. Validity

مبانی نظری پژوهش

نظریه ارباب^۱ بر این پیش فرض بنیادین استوار است که بزهکاران بالقوه، همچون تمامی شهروندان، بازیگرانی محاسبه‌گرند. این نظریه از طریق تغییر در هزینه‌ها و منافع بزهکاری، در پی آن است تا جرم را برای مجرم تبدیل به یک گزینه غیرجذاب کند. هنگامی که فردی مرتکب جرم می‌شود باید مجازاتی بر وی اعمال گردد تا تحمل رنج حاصله از مجازات، موجب بازدارندگی از ارتکاب مجدد بزه گردد. از این رو ارباب خاص که بزهکار را کانون توجه خود قرار می‌دهد، باید به شیوه‌ای باشد که تصور محکومیت پیشین، تمایل بزهکار را برای تکرار جرم از بین ببرد (جوان جعفری، ساداتی، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۶)؛ اما به نظر می‌رسد بازدارندگی خاص^۲ بدین مفهوم که تجربه تحمل مجازات، مجرم را از ارتکاب مجدد جرم باز دارد، در خصوص مجازات اعدام سالبه به انتفاء موضوع است؛ چراکه پس از اجرای اعدام، فرد محکوم باقی نمی‌ماند تا بتوان اثر اربابی کیفر را در مورد وی سنجید. لذا به نظر می‌رسد در خصوص مجازات‌های سالب حیات باید بررسی میزان بازدارندگی عام^۳ مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس بازدارندگی عام، تحمیل کیفر بر بزهکار موجب ایجاد هراس در مجرمین بالقوه خواهد شد.^۴ به عبارت دیگر هدف از ارباب عام، منصرف کردن مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم می‌باشد. در این نوع از بازدارندگی، مجرم به مثابه ابزاری برای ارسال این پیام به دیگر شهروندان انگاشته می‌شود^۵ که در صورت ارتکاب جرم، همچون فرد مذکور، مجازات خواهد شد. از میان مجازات‌هایی که در مجموعه قوانین کیفری پیش‌بینی می‌شود، اعدام شدیدترین مجازات است و به‌طور معمول نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که مهم‌ترین جرائم را مرتکب شده و برای جامعه خطرناک و غیرقابل اصلاحند. اعدام مجازاتی است از درجه جنایی و در ماهیت رنج‌آور و رسواکننده یا به اصطلاح «ترهیبی و ترذیلی» که هدف آن طرد ابدی مجرم از جامعه است که با پایان دادن به حیات جنایتکار، جامعه را از خطر بالقوه بزهکار مصون می‌سازد. هر چند طرفداران اربابی بودن مجازات‌ها معتقدند که مجازات حتی المقدور باید سنگین و شدید باشد تا در اذهان مجرمین و دیگران اثری قطعی و لازم به‌جای گذاشته و آن‌ها را از فکر ارتکاب جرم منصرف کند (صلاحی، ۱۳۸۶: ۳۰). از لحاظ رویکرد بازدارندگی مجازات، آنچه ضامن نقش پیشگیرانه کیفرها است،

1. Deterrence Theory
2. Specific Deterrence
3. General Deterrence

۴. جرمی بنتام بر این برداشت از ارباب تأکید کرده و آن را هدف اصلی مجازات می‌داند. از نگاه وی ارباب خاص و نیز اصلاح بزهکار، در شمار پیامدهای ثانوی مجازات به‌شمار می‌آیند (جوان جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۴-۶۳).

۵. بر اساس این برداشت، کیفر از این رو به‌عنوان یک شر ضروری مورد پذیرش است که از طریق ارباب بزهکار و نیز شهروندانی که پیام تحمیل رنج بر مجرم به آن‌ها مخابره می‌شود تا از تکرار یا ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند (جوان جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۲).

حتمیت و قطعیت اجرای مجازات^۱ یا به عبارتی دیگر اطمینان جامعه از اجرای مجازات است (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۳۹)؛ اما به نظر می‌رسد صرف پیش‌بینی یک مجازات سنگین همچون اعدام نمی‌تواند اثر ارعابی و بازدارندگی مجازات را تأمین کند؛ بلکه بازدارندگی مجازات فقط زمانی بروز و ظهور پیدا می‌کند که مجازات تعیین شده در مورد مرتکب حتماً اجرا و اعمال گردد. قابل‌اجرا نبودن کیفر می‌تواند در طول زمان باعث زائل شدن اثر بازدارندگی کیفر و در نتیجه زوال مشروعیت آن و حتی نظام کیفری گردد (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۴۱). بر همین مبنا است که تصور «هرچه مجازات شدیدتر باشد بازدارنده‌تر است» تصویری اشتباه تلقی می‌شود؛ چراکه طبق ایده‌های سزار بکاریا باید مردم و بالاخص مجرمین باور قطعی داشته باشند که هرکس مرتکب جرمی شود، بدون تردید و به صورت حتمی به مجازات خواهد رسید. در واقع حتمی بودن عقوبتی معتدل، همیشه تأثیری شدیدتر از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن راه دارد، به جا می‌گذارد (بکاریا، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۶) و در همین رهگذر است که بکاریا به مخالفت جدی با نهاد عفو پرداخته و الغای آن را عاملی بس تأثیرگذار در رنج‌آور ساختن مجازات می‌داند و بنام نیز پیشگیری از جرم را در گرو افزایش درجه حتمی بودن مجازات‌ها می‌داند (پرادل، ۱۳۸۱: ۶۲). حتی در رویکردی افراط‌گرایانه، بکاریا به دنبال عدم اعتماد به قضات، اعتقاد به تعیین مجازات‌های ثابت و یکسان دارد (وایت، هنیز، ۱۳۸۳: ۸۹)؛ چراکه وی نظام مجازات ثابت را اکسیری بازدارنده می‌داند؛ یعنی بر این باور است که مجازات باید با جرم و نه با فرد تناسب داشته باشد (والک لیت، ۱۳۸۶: ۳۷).

۱. جلوه‌های عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی از منظر رویه محاکم

مروری بر رویه قضایی حاکم در حوزه جرائم مواد مخدر حکایت از عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران دارد. این موضوع خصوصاً در مواردی که مجازات قانونی اعدام پیش‌بینی شده است، بیشتر نمایان می‌شود و به طرق مختلف نمود و بروز پیدا کرده است؛ به عنوان نمونه برخی از این موارد عبارتند از: عدم هم‌سویی در تأیید احکام اعدام توسط دیوان عالی کشور، عدم هم‌سویی در اعمال قواعد تکرار و تعدد جرم و همچنین اعمال تخفیف در فرض تکرار جرم که نگارندگان در این قسمت به تشریح این موارد می‌پردازند.

۱-۱. عدم هم‌سویی در تأیید احکام اعدام توسط دیوان عالی کشور

سیاست کیفری مقنن در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، به جز ماده ۲۰ این قانون و در بحث نگهداری آلات و ادوات استعمال مواد مخدر که مجازات قانونی درجه ۷ پیش‌بینی شده است، سختگیرانه است و مجازات‌های سنگین و بعضاً نامتناسب پیش‌بینی شده است؛ به طوری که حبس‌هایی که به‌عنوان

۱. در این خصوص برخی معتقدند: «این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می‌کند؛ بلکه حتمی و قطعی بودن مجازات است که می‌تواند از جرم‌های آینده جلوگیری کند» (مونتسکیو، ۱۳۷۰: ۲۹۶).

مجازات قانونی در بسیاری از مواد این قانون آمده است، کمتر از دو سال نیست. مقنن در این قانون در موارد متعددی مجازات اعدام را پیش‌بینی کرده است؛ بند ۴ از مواد ۲ و ۴؛ تبصره ماده ۴؛ بندهای ۴ و ۵ و ۶ از ماده ۵؛ ماده ۶؛ بند ۶ از ماده ۸؛ مواد ۹ و ۱۱ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲ و ۳۵ از جمله این موارد هستند. شاید مهم‌ترین توجه مقنن برای وضع چنین مجازاتی استفاده از اثر اربعی آن در راستای بازدارندگی عام باشد. به نظر می‌رسد ویژگی‌های فوق و سختگیری مقنن در وضع مجازات‌های سرکوب‌گر در حوزه جرائم مواد مخدر باعث شده است، قضات به انحاء مختلف سعی در خنثی ساختن سیاست کیفری سختگیرانه مقنن داشته باشند؛ به طوری که عدم تمایل قضات به صدور احکام سنگین و سعی در توسل به مقررهای قانونی یا حتی بعضاً با تفاسیری دور از نظر مقنن و همچنین نقض یا عدم اجرای اکثریت آن‌ها به جهات مختلف، دلیل روشنی است بر این مدعا که مجازات‌های شدید و سرکوب‌کننده مورد استقبال قضات نمی‌باشد. در واقع می‌توان گفت چنانچه سیاست جرم‌انگاری و وضع مجازات با کرامت انسانی و افکار عمومی که قوه مقننه و همین‌طور قضات دادگستری متأثر از آن هستند، منطبق نباشد، موجبات فاصله بین سیاست جنایی قضایی و تقنینی را فراهم می‌آورد.^۱ برخی معتقدند عدم تبعیت سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی بدین معنی است که قانون‌گذار در وضع قانون به بیراهه رفته است و در عوض، انصاف‌طلبی قضات وجود دارد^۲ که به لحاظ مشاهده عینی وقایع اجتماعی و امکان درک درست‌تر و بهتر از این وقایع، راه اعمال انحرافی سرکوب‌گرانه قانون‌گذار را در عمل سد می‌کند (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

یکی از پرونده‌هایی که به وضوح ادعای فوق را ثابت می‌کند، مربوط به فردی است که به موجب دادنامه صادره از شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی مشهد به اتهام حمل ۱۰۲ گرم و ۱۰ سانتی‌گرم مواد روانگردان به اعدام محکوم شده و در دادنامه برای متهم یک درجه تخفیف در مجازات پیشنهاد شده است. پس از اعتراض وکیل متهم به رأی صادره به واسطه اختلاط مواد مکشوفه از متهم با خاک، شعبه ۴۶ دیوان عالی کشور ضمن غیر مؤثر دانستن دفاعیات وکیل متهم، به واسطه اینکه دادنامه را عاری از هرگونه نقص دیگری تشخیص می‌دهد، متعرض موضوعی می‌شود که تاکنون کمتر مورد توجه محاکم قرار می‌گرفته است. این شعبه با اشاره به صورتجلسه کشف مواد از شلوار متهم و اینکه بسته مواد دارای لفاف^۳ پلاستیکی محکم بوده و ارزش ریالی

۱. در این زمینه برخی معتقدند با فقدان اجماع یک اکثریت کافی، قانون کیفری باید قلمروهایی را که مدت‌ها تحت حاکمیتش بوده است، ترک کند و اعمالی که تاکنون با عنوان «مجرمانه» مورد ملاحظه قرار می‌گرفتند، در قالب فرآیند «جرم‌زدایی» از سیطره قانون کیفری خارج سازد (پیکا، ۱۳۷۰: ۱۰۲).

۲. در خصوص نقش مهم قضات در این خصوص برخی معتقدند «قضات پیش از آنکه حامی و مجری قانون باشند، انسانند و به حکم طبیعت خود، میل دارند قانون را به گونه‌ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد. قاضی نماینده دولت است و به نام او تصمیم می‌گیرد ولی به‌عنوان «انسان» از محیط متأثر می‌شود.» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۶۵)

۳. لازم به ذکر است که مواد مکشوفه از متهمین معمولاً در بسته‌های پلاستیکی قرار دارد که بدان اصطلاحاً «لفاف» می‌گویند و در هنگام توزین، مواد مکشوفه طی دو مرحله وزن می‌شوند: مرحله اول با لفافه و مرحله دوم بدون لفافه و به‌صورت خالص.

این حجم از مواد و لزوم رعایت احتیاط در حمل آن نیز وجود لفاف دارای استحکام را ایجاب کرده و در نتیجه اعلام وزن کمتر از یک گرم برای لفاف را بعید تلقی کرده و از این حیث دادنامه‌ی اصداری را نقض نموده است.^۱ همان طور که ملاحظه می‌شود هرچند دیوان عالی کشور در نقض رأی دادگاه بدوی، به میزان لفاف منعکس شده در صورتجلسه‌ی توزین مواد مخدر ایراد وارد کرده و آن را کمتر از حد معمول تشخیص داده است، باید گفت در چنین اوزانی با توجه به میزان مجازات قانونی آن، دقت مأمورین توزین مواد مخدر بسیار بالا است و چنین امری بعید یا حتی محال به نظر می‌رسد. به هر حال چنین ایرادی از ناحیه‌ی دیوان عالی کشور به رأی دادگاه بدوی که حتی مورد اشاره‌ی متهم و وکیل وی هم قرار نگرفته است، حکایت از این دارد که بنا به دلایلی علی‌رغم نص قانون، عزم جدی و اصرار بر اجرای احکام اعدام در بین قضات وجود ندارد.

۱-۲. عدم هم‌سویی در اعمال قواعد تکرار جرائم مواد مخدر

بازخوانی رویکرد مقنن کیفری در خصوص ضابطه‌ی تحقق تکرار جرم و میزان تشدید مجازات مجرمین مکرر، حکایت از این دارد که قانون‌گذار اولاً در قوانین مختلف از ضوابط متفاوتی برای شمول وصف تکرار جرم استفاده کرده است و ثانیاً در برخی موارد همچون جرائم حوزه‌ی مواد مخدر، بنا به دلایلی نحوه و میزان مشخصی از تشدید را مورد توجه قرار داده است که با آنچه در قواعد عام تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است، تفاوتی مشهود دارد و این موضوع اساساً سبب بروز برداشت‌های مختلف در خصوص نظر واقعی مقنن شده است. بررسی قواعد تکرار جرم مندرج در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مشخص می‌کند که تکرار جرائم موضوع این قانون دارای سه ویژگی عمده است که آن را از قواعد مشابه در قانون مجازات اسلامی متمایز می‌کند. اولین ویژگی، دائم‌بودن سابقه‌ی محکومیت فرد است. بدین توضیح که در این قانون وفق ماده‌ی ۳۹ الحاقی، برخلاف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲،^۲ در تشدید مجازات بر اثر تکرار جرم، تمام محکومیت‌های فرد از سال ۱۳۶۷ مؤثر تلقی می‌شود. در واقع مقنن با رویکرد سختگیرانه، به‌طور مطلق سابقه‌ی محکومیت فرد را از سال ۱۳۶۷ و صرف‌نظر از نوع و میزان محکومیت، مؤثر تلقی می‌کند.^۳ دومین ویژگی قواعد تکرار جرم در این قانون، خاص بودن این قواعد است. این ویژگی به‌نحوی در این قانون مشهود است که در بین مواد مختلف و بعضاً بندهای یک ماده نیز احکام خاصی پیش‌بینی شده

بررسی آرای صادره از دیوان عالی کشور در این زمینه حکایت از این دارد که سابقاً این موضوع به‌عنوان علت نقض رأی مشاهده نشده است.

۱. رأی صادره مربوط به شعبه‌ی ۴۶ دیوان عالی کشور می‌باشد که در مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۴ در خصوص پرونده‌ی کلاسه ۹۵۰۴۹۹ صادر شده است.

۲. مقنن در ماده‌ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواعیدی را برای مؤثر بودن سابقه لحاظ کرده است که صرفاً در صورتی که متهم جرم جدید را قبل از انقضاء مواعد این ماده مرتکب شود، سابقه‌ی وی مؤثر محسوب می‌شود و پس از سپری شدن این مواعد، فرد به اعاده حیثیت نائل آمده و باعث می‌شود ارتکاب جرم جدید موجب تشدید مجازات وی از باب تکرار جرم نشود.

۳. البته در خصوص شیشه، سابقه‌ی مؤثر از سال ۱۳۸۹ لحاظ می‌شود.

است و سابقه محکومیت مواد مختلف این قانون برای یکدیگر مؤثر تلقی نمی‌شوند. به‌عنوان مثال چنانچه فردی در گذشته به اتهام نگهداری تریاک محکوم شده باشد و جرم ارتكابی فعلی نگهداری هروئین باشد، سابقه محکومیت وی برای جرم جدید مؤثر نمی‌باشد و بالعکس.^۱ سومین ویژگی قواعد تکرار جرم پیش‌بینی شده در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به میزان تشدید مجازات برمی‌گردد. در واقع در این قانون میزان تشدید اغلب به‌صورت تصاعدی بالا می‌رود؛ یعنی میزان تشدید مجازات فردی که دو سابقه محکومیت دارد، با فردی که پنج سابقه محکومیت دارد، فرق دارد و مجازات به نسبت هر بار تکرار شدیدتر می‌شود تا اینکه سرانجام به حبس‌های طولانی مدت یا اعدام منتهی می‌شود. این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی، تشدید مجازات به موجب تکرار جرم مقطوع است.

از آنجا که قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ از جمله قوانین خاصی است که حاوی احکام خاص و بسیار سختگیرانه برای تکرار جرم می‌باشد،^۲ در مواردی این قانون نسبت به وصف تکرار جرم تعیین تکلیف نکرده و ساکت است.^۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریات مشورتی متعدد به این موضوع اشاره کرده است^۴ که «چنانچه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در هر مورد حکم خاصی داشته باشد بر اساس آن عمل می‌شود و در مواردی که این قانون ساکت است به عموماًت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باید رجوع کرد. لذا چون در خصوص تکرار جرم در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر طبق مواد ۲، ۵، ۶ و ۹ مقررات خاصی پیش‌بینی شده است، باید مطابق این قانون عمل شود؛ ولی با عنایت به اینکه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص قواعد تعدد جرم به کلی ساکت است، با توجه به سکوت این قانون، مشمول مقررات ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شود.»

اختلاف نظر محاکم در خصوص استفاده از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در موارد سکوت قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر با عنایت به اینکه قضات الزامی به تبعیت از نظرات مشورتی اداره کل حقوقی ندارند، موجبات ایجاد رویه‌های قضایی مختلف را فراهم آورده است. نهایتاً اهمیت موضوع و صدور احکام مختلف در زمینه مسائل واحد که ناشی از برداشت‌های متفاوت قضات از قوانین بود، باعث شد هیئت

۱. در خصوص اینکه آیا در این فرض به لحاظ سکوت مقنن در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر می‌توان به عموماًت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رجوع کرد یا خیر به تفصیل در همین نوشتار بحث شده است.
۲. به‌عنوان مثال در ماده ۲، بند ۴ و تبصره ماده ۴، بندهای ۴، ۵، ۶ از ماده ۵، ماده ۶، بند ۶ از ماده ۸، ماده ۹ و ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر قواعدی خاص برای تکرار جرم پیش‌بینی شده است.
۳. به‌عنوان مثال قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص اینکه آیا سابقه محکومیت به نگهداری تریاک برای ارتكاب جرم نگهداری هروئین و بالعکس از موارد تشدید می‌باشد یا خیر حکمی ندارد و ساکت است.
۴. برای مشاهده نظرات مشورتی متعدد در این خصوص رجوع کنید به نظریات شماره ۷/۹۲/۱۳۷۱ مورخ ۷/۹۲/۱۴ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۴، شماره ۷/۹۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵، شماره ۷/۹۲/۲۲۰۵ مورخ ۷/۹۲/۱۱/۱۹، شماره ۷/۹۲/۲۳۲۷ مورخ ۷/۹۲/۱۲/۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۵ که همگی به اجرای حکم خاص قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در مواردی که صراحتاً موضوعی را مورد حکم قرار داده است، اشاره دارند.

عمومی دیوان عالی کشور در خصوص یکی از موارد سکوت قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مبادرت به صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۳۸ در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ نماید که در آن در خصوص اعمال احکام تعدد جرم مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به جرائم حوزه مواد مخدر چنین اشعار داشته است: «نظر به اینکه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۸۹ حکم خاصی در مورد تعدد جرم وضع نکرده، بنابراین ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به آمره بودن آن، در جرائم مواد مخدر نیز حاکم بوده و در تعیین مجازات برای مرتکبین این گونه جرائم، در صورت تعدد بزه‌های ارتكابی لازم‌الرعایه است.» رأی وحدت رویه مذکور هرچند در راستای نظرات مشورتی یادشده است ولیکن به گونه‌ای تنظیم شده است که به نوعی می‌توان، اعتبار قواعد تکرار جرم مندرج در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر را استنباط کرد؛ چراکه در صدر رأی وحدت رویه مذکور آمده است که چون قانون مواد مخدر در خصوص تعدد جرم حکم خاصی ندارد، قواعد تعدد جرم مندرج در قانون مجازات اسلامی متبع خواهد بود. لذا با استفاده از مفهوم مخالف این رأی می‌توان گفت در خصوص قواعد تکرار جرم، به لحاظ اینکه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر حاوی احکام خاصی می‌باشد، لذا نیازی به مراجعه به قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد.

در این زمینه آرای را که به استناد ماده ۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۱ صادر می‌شود، خصوصاً در فرضی که متهم برای بار چهارم محکوم می‌شود، می‌توان نمونه‌های بارز چنین رویه‌ای دانست. شایان ذکر است در این رویکرد اولاً وفق ماده ۳۹ این قانون سوابق مؤثر از سال ۱۳۶۷ ملاک است و ثانیاً میزان تشدید مجازات نیز بر اساس همین قانون باید صورت گیرد. به‌عنوان نمونه یکی از شعب دادگاه انقلاب مشهد، در خصوص متهمی که برای وی کیفرخواستی با عناوین اتهامی استعمال هروئین و نگهداری ۱۲ سانتی‌گرم^۲ هروئین برای بار چهارم صادر شده بود، بدو با احراز اعتیاد متهم وی را از عنوان اتهامی استعمال هروئین تبرئه می‌نمایند تا مشمول قواعد تعدد جرم نشود و سپس بدین شرح مبادرت به صدور حکم در خصوص عنوان اتهامی دیگر می‌کند: «... با توجه به مفاد ماده ۳۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که سوابق کیفری بعد از اجرایی شدن این قانون در سال ۱۳۶۷ مناط اعتبار است و خاص بودن این قانون مانع از استناد به عموماًت قانون جزا در خصوص اعمال مقررات تکرار جرم در صورت داشتن سابقه کیفری می‌باشد... لذا

۱. در این ماده اوج سختگیری مقنن در خصوص تکرار جرائم مواد مخدر موضوع ماده ۸ این قانون به چشم می‌خورد؛ چراکه در مرتبه چهارم صرف‌نظر از میزان مواد مکشوفه چنانچه جمع مواد فعلی و سوابق متهم به ۳۰ گرم نرسد، ۱۰ تا ۱۵ سال حبس و در صورتی که به بیش از ۳۰ گرم برسد، مجازات اعدام پیش‌بینی شده است.

۲. شایان ذکر است هر صد سانتی‌گرم معادل یک گرم است.

مستنداً به ذیل ماده ۹ و ماده ۳۸ قانون مرقوم^۱ و با عنایت به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به لحاظ اقرار صریح متهم، نامبرده را به تحمل ۵ سال حبس تعزیری و پرداخت مبلغ ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی و تحمل ۴۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید. النهایه با عنایت به احراز جهات ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مستنداً به ماده ۴۶ همان قانون، ۳ سال از حبس متهم به مدت ۵ سال تعلیق می‌گردد...^۲ همان طور که ملاحظه می‌شود قضات با واقع‌بینی سعی در جبران و تعدیل قواعد سختگیرانه این قانون و هم‌سویی با افکار عمومی دارند؛ به نحوی که در خصوص این قبیل پرونده‌ها می‌توان اذعان داشت اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات، بنا به دلایلی تا حد زیادی جایگاه خود را از دست داده است.

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که بیان شود در راستای تعدیل قواعد سختگیرانه مقنن در بحث قواعد تکرار جرائم حوزه مواد مخدر، اخیراً رویه دیگری نیز در خصوص نحوه اعمال قواعد تکرار جرم در محاکم تجدیدنظر استان خراسان رضوی و برخی از شعب دیوان عالی کشور شکل گرفته است. در این رویه اعتقاد بر نسخ تمام قواعد تکرار جرم مندرج در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ توسط ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد؛ به نحوی که اولاً مؤثر بودن سوابق طبق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی سنجیده خواهد شد و ثانیاً میزان تشدید مجازات در فرض مؤثر بودن سوابق بر مبنای ماده ۱۳۷ قانون مرقوم است. مهم‌ترین استدلال ذکر شده در این رویه این است که قواعد تکرار جرم مندرج در قانون مجازات اسلامی آخرین اراده مقنن در خصوص موضوع تکرار می‌باشد و قانون‌گذار با التفات به اینکه در قوانین خاص، احکام ویژه‌ای برای برخی جرائم پیش‌بینی کرده است، با وضع قانونی جامع قصد ساماندهی و یکپارچه‌کردن قواعد تکرار همه جرائم را داشته است و در این خصوص استثنایی قائل نشده است. همچنین ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۳ که اصلاح این قانون را توسط مجلس

۱. شایان ذکر است طبق تبصره ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی، وجود سه فقره سابقه محکومیت، مانع از اعمال تخفیف مجازات می‌شود ولی در رویه مذکور این موضوع به لحاظ عقیده بر خاص بودن قواعد تخفیف مجازات مورد توجه نمی‌باشد. این تبصره چنین اشعار می‌دارد: «چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.»

۲. رأی صادره مربوط به شعبه سوم دادگاه انقلاب مشهد می‌باشد که در تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۳۰ در خصوص پرونده شماره ۹۴۱۴۸۰ صادر شده است.

۳. شایان ذکر است این قانون از جمله مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد.

شورای اسلامی تجویز کرده است^۱ و مستثنی شدن جرائم مندرج در این قانون از شمول مرور زمان^۲ نیز دلیل دیگری است که می‌توان گفت مقنن با نگاهی کلی به همه جرائم موضوع قوانین خاص در هنگام وضع قانون مجازات اسلامی داشته است و عامدانه برخی جرائم را از شمول برخی تأسیسات نوین خارج ساخته است و لذا اگر مقنن نظر به خاص بودن قواعد تکرار مندرج در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر می‌داشت، باید آن را از شمول احکام تکرار جرم مستثنی می‌کرد. آنچه به‌عنوان شاهد مثالی از این رویه قضایی می‌توان ارائه کرد، رویکرد برخی از شعب دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی می‌باشد که بر پایه همین استدلال‌ها، مبادرت به نقض احکام بدوی محاکم انقلاب مشهد کرده‌اند.

به‌عنوان مثال در پرونده‌ای که در سال ۱۳۹۴ در شعبه ششم دادگاه انقلاب مشهد مطرح شده بود و در آن فردی به اتهام نگهداری یک و نیم گرم هروئین برای بار دوم به تحمل هفت سال و نیم حبس، هفتاد ضربه شلاق تعزیری و سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده بود که پس از تجدیدنظرخواهی و طرح پرونده در محاکم تجدیدنظر استان خراسان رضوی، مجازات وی به میزان قابل توجهی تقلیل یافت که استدلال و گردشکار رأی موصوف بدین شرح است: «هرچند اصل و اساس رأی محکومیت در خصوص متهم صحیح است ولیکن با توجه به اینکه به موجب ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و مواد ۲۵، ۱۳۷ و ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ماده ۹ از قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، در قسمت مربوط به تکرار جرم و تشدید مجازات نسخ شده است و مقنن آخرین اراده‌اش در خصوص تشدید مجازات ناشی از تکرار همه جرائم را در مواد ۲۵ و ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان کرده است و استثنایی قائل نشده است؛ لذا چون از تاریخ ارتکاب جرم قبلی بیش از دو سال گذشته است و مشمول اعاده حیثیت گردیده است، لذا سابقه وی مؤثر در مقام تشدید نبوده و مجازات متهم را به دو سال حبس و سی ضربه شلاق و بیست میلیون ریال جزای نقدی تقلیل و اجرای یک سال و نیم حبس و تمام شلاق‌ها مستنداً به ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی به مدت دو سال تعلیق می‌گردد که هرگاه در این مدت مرتکب جرم مستوجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ شود مجازات معلق نیز در مورد وی اجرا خواهد گردید.»^۳

۱. لازم به ذکر است طبق نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۰۷/۲۴ شورای نگهبان، هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد، ابطال، نقض و نسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند و لذا در هر مورد که حکم خاصی در قانون مذکور وجود دارد، باید بر اساس مقررات آن عمل شود.

۲. به موجب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برخی جرائم ذیل از شمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات خارج شده‌اند که در بند «پ» این ماده به جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر اشاره شده است.

۳. رأی صادره مربوط به شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی می‌باشد که شماره پرونده آن ۹۴۰۶۲۵ بوده و در مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۹ صادر شده است. همچنین در پرونده‌های دیگری نیز به شماره‌های ۹۴۰۵۶۱ و ۹۴۰۶۰۴ آراء محاکم بدوی در دادگاه انقلاب با استدلالی مشابه رأی فوق نقض شده است.

به نظر نگارندگان، آنچه باعث شده است برخی از قضات چنین تفسیری داشته باشند، سختگیری بیش از حد مقنن، در جهت مقابله با جرائم مواد مخدر خصوصاً در مقوله تکرار این جرائم می‌باشد؛ چراکه سیاست کیفری قانون‌گذار در قبال جرائم حوزه مواد مخدر مبتنی بر سرکوب‌گری می‌باشد و بعضاً با عدم تناسب بین جرم و مجازات همراه است؛^۱ به نحوی که مقنن در تعیین مجازات‌ها به میزان قبیح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازین حقوق بشری و اصل عدالت که از معیارهای تناسب تلقی می‌شوند، توجه کافی نکرده است. وضع مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولانی مدت برای خیلی از این جرائم، حکایت از سیاست سرکوب و طرد مرتکبین بدون توجه به تناسب و اهداف مجازات‌ها بالاخص اثر بازدارندگی آن می‌کند (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۳).

۳-۱. عدم هم‌سویی در اعمال قواعد تعدد جرائم مواد مخدر

همان‌طور که اشاره شد اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریات مشورتی متعدد به لازم‌الاجرا بودن قواعد مندرج در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر اشاره کرده است و صرفاً در مواردی رجوع به عموماً قانون مجازات اسلامی را تجویز کرده است که قانون مزبور نسبت به آن ساکت باشد. با ملاحظه مواد این قانون مشاهده می‌شود که حاوی قواعد خاصی برای تکرار جرم است؛ اما در خصوص تعدد جرم حکم خاصی بیان نکرده است.

اختلاف نظر محاکم در خصوص نحوه اعمال قواعد تعدد جرم در حوزه جرائم مواد مخدر و امکان رجوع به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باعث شد نهایتاً هیئت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص تعدد جرائم حوزه مواد مخدر تعیین تکلیف کند. رأی وحدت رویه شماره ۷۳۸ در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ صریحاً اشاره می‌کند که به لحاظ اینکه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۸۹ حکم خاصی در مورد تعدد جرم وضع نکرده، بنابراین ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به آمه‌بودن آن، در جرائم مواد مخدر نیز حاکم بوده و در تعیین مجازات برای مرتکبین این گونه جرائم، در صورت تعدد بزه‌های ارتكابی لازم‌الرعایه است.

نکته حائز اهمیت در این خصوص توجه به نوع مواد مخدر است؛ چراکه قواعد تعدد جرم صرفاً در فرضی که نوع مواد مکشوفه از متهم متفاوت باشد (سنتی و صنعتی) قابلیت اعمال دارد. بدین معنی که چنانچه مواد مکشوفه از متهم از نوع شیره تریاک، حشیش و تریاک باشد یا مواد مکشوفه از نوع هروئین، شیشه و مورفین باشد، با یکدیگر جمع می‌شوند و قواعد تعدد جرم اعمال نمی‌شود و متهم بر اساس وزن مجموع آن‌ها محکوم می‌شود. اما اگر مواد مکشوفه از هر دو نوع باشد، مثلاً تریاک یا هروئین باشد، موضوع وصف تعدد جرم پیدا

۱. به‌عنوان مثال در بند سوم از ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر برای کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه (به‌منظور تولید مواد مخدر) نماید، صرف‌نظر از میزان کشت، در مرتبه سوم مجازات آن جزای نقدی، شلاق و ۲ تا ۵ سال حبس است؛ در حالی که در مرتبه چهارم اعدام می‌باشد.

می‌کند و باید قواعد مندرج در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعمال شود. همچنین اگر نوع مواد مکشوفه از یک نوع باشد و در فواصل زمانی از متهم کشف شود، مثلاً مقادیری شیشه از ید متهم و پس از مدتی مقادیری شیشه از منزل وی کشف شود، باز هم مشمول قواعد تعدد جرم نمی‌شود و مواد مکشوفه با یکدیگر جمع می‌شوند.

این وضعیت در مواردی به نفع متهم است و در مواردی به ضرر متهم خواهد شد؛ مثلاً اگر از متهم چند سانتی گرم شیشه کشف شود و سپس در بازرسی از منزل وی نیز دو گرم شیشه دیگر کشف شود، چنانچه این موضوع را تعدد جرم بدانیم، وفق بند سوم از ماده ۸ باید متهم به تحمل ۵ سال حبس به‌عنوان مجازات اشد محکوم شود. اما اگر واجد وصف تعدد ندانیم قاضی بابت دو گرم و چند سانتی گرم، بین ۲ تا ۵ سال حبس مختار است و تعیین حداکثر و نهایتاً اجرای اشد در این فرض وجود ندارد. لذا در این فرض اعمال نکردن قواعد تعدد جرم مساعدتر به حال متهم خواهد بود. اما در اوزان بالا در مواردی اعمال قواعد تعدد جرم مساعدتر به حال متهم خواهد بود؛ به‌عنوان مثال چنانچه در مثال فوق از ید متهم ۵۰ گرم شیشه و از منزل وی نیز ۶۰ گرم مواد مخدر کشف کنند، اعمال قواعد تعدد جرم باعث خواهد شد که متهم به مجازات اعدام محکوم نشود؛ ولی عدم اعمال قواعد تعدد جرم و جمع کردن مواد مکشوفه از ید متهم و آنچه از منزل وی کشف شده است، باعث می‌شود فرد به مجازات اعدام محکوم شود.

در این زمینه پرونده‌ای در شعبه ششم دادگاه انقلاب اسلامی مشهد مطرح می‌شود که در آن از ید متهم حدود ۳۲ گرم شیشه و پس از مدتی از خانه‌باغ وی ۸۰ گرم هروئین کشف می‌شود که دادگاه بدوی با جمع تمام مواد مکشوفه از متهم، حکم اعدام وی را بابت نگهداری ۱۱۷ گرم شیشه و هروئین صادر می‌کند^۱ که پس از اعتراض وکیل متهم و طرح پرونده در شعبه ۵۰ دیوان عالی کشور ضمن نقض رأی، ایرادی به دادنامه مزبور به لحاظ عدم اعمال قواعد تعدد جرم بدین نحو وارد می‌آورد: «... در صورت توجه اتهام به متهم و احراز مجرمیت دادگاه بایستی برای هر یک از جرائم مذکور مجازات علی‌حده تعیین و مجازات اشد را قابل اجرا اعلام دارد. بنابراین جمع کردن مواد و تعیین مجازات بر اساس آن مغایر قانون و به دور از احتیاط در دماء است.»^۲

۴-۱. عدم هم‌سویی در اعمال تخفیف در فرض تکرار جرم

همان طور که اشاره شد رویه غالب در خصوص جرائم حوزه مواد مخدر این است که تا زمانی که در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر حکم صریحی در خصوص موضوعی باشد، به عموماً قانون

۱. رأی صادره مربوط به شعبه ششم دادگاه انقلاب مشهد می‌باشد که در مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۱ در خصوص پرونده کلاسه ۹۵۰۲۷۲ صادر شده است.

۲. رأی صادره مربوط به شعبه ۵۰ دیوان عالی کشور می‌باشد که در مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۰ در خصوص پرونده کلاسه ۹۵۰۲۷۲ صادر شده است.

مجازات اسلامی مراجعه نمی‌شود؛ اما در این قسمت ملاحظه می‌شود این مهم نادیده گرفته شده است و رأی صادره را که مورد تأیید دیوان عالی کشور نیز واقع می‌شود، می‌توان نمونه دیگری از عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی تلقی کرد. در خصوص اعمال قواعد تخفیف در فرضی که عمل ارتكابی متهم وصف تکرار جرم را دارد، از طرفی موضوع مشمول بند «الف» ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد^۱ و از طرف دیگر ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۲ نیز حاوی قواعدی در این خصوص است. در این رأی شعبه چهارم دادگاه انقلاب مشهد، فردی را به اتهام خرید، نگهداری و در معرض فروش قرار دادن ۲۲ سانتی‌گرم برای بار پنجم، به استناد ماده ۹ با رعایت ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، به تحمل ۵ سال حبس محکوم کرده است^۳ که با فرجام‌خواهی معاون دادستان مشهد با این استدلال که «عمل متهم مشمول بند «الف» ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی می‌شود و با وجود جهات تخفیف مجازات، دادگاه نمی‌تواند به کمتر از دوازده سال و نیم حبس، محکوم کند.» مواجهه که پس از طرح پرونده در شعبه بیست و هفتم دیوان عالی، این شعبه در رأی صادره ضمن اشاره به اینکه رأی فرجام‌خواسته مطابق قواعد اصدار یافته، اعتراض معاون دادستان به خفیف بودن رأی را مردود اعلام کرده است. استدلالی که این شعبه دیوان برای نظر خود آورده است، بدین شرح می‌باشد: «با توجه به اینکه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون خاص مقدم بوده و در این قانون برای برخورداری از تخفیف مجازات به شرح ماده ۳۸ مقررات خاصی وضع شده است، بنابراین مقررات تخفیف مجازات که به طور کلی و عام در ماده ۱۳۹ قانون مجازات از جمله بند اول آن وضع شده است، شامل مانحن فیه نبوده و رأی دادگاه که مساعد به حال متهم نیز می‌باشد، مطابق موازین می‌باشد و ضمن رد فرجام‌خواهی معاون دادستان، دادنامه مزبور ابرام می‌گردد.»^۴

به نظر می‌رسد رأی صادره نمونه‌ای از عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی است؛ چراکه سختگیری بیش از حد قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر خصوصاً در مبحث تکرار جرم باعث شده

۱. بند «الف» از ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی، در خصوص وجود جهات تخفیف در فرض تکرار جرم مقرر می‌دارد: «چنانچه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد.»

۲. ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات‌های تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می‌یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد.»

۳. شایان ذکر است برای عمل ارتكابی وفق قسمت اخیر ماده ۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، ۱۰ تا ۱۵ سال حبس پیش‌بینی شده است.

۴. رأی صادره مربوط به شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور به شماره پرونده ۹۴۰۸۳۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۴ می‌باشد که پس از فرجام‌خواهی معاون دادستان مشهد به رأی صادره از شعبه چهارم دادگاه انقلاب مشهد صادر شده است.

است قضات دیوان عالی کشور چنین رویکردی را اتخاذ کنند. در واقع می‌توان گفت هرچند رویکرد سزاگرایانه و طردمدارانه به حقوق کیفری نیز همواره دورانی از تفوق و حکومت را به خود دیده است، در حال حاضر عمده توجیحات به رویکرد پیشگیری از جرم و اصلاح مرتکب معطوف است.^۱ لذا آنچه به وضوح در رأی صادره از دیوان عالی کشور مشهود است، اهتمام بیش از حد به نفع متهم است؛ به گونه‌ای که باعث شده است رویکرد سختگیرانه و صریح مقنن در خصوص تکرار جرائم مواد مخدر با تفسیر قانون به نفع متهم نادیده گرفته شود. در این خصوص آنچه بدیهی می‌نماید این است که نمی‌توان بدو آشک در اراده مقنن را به نفع متهم تفسیر کرد؛ بلکه باید کوشید تا قبل از هر چیز به اراده اصلی مقنن نائل آمد و هرگاه از کشف اراده قانون‌گذار نتیجه‌ای حاصل نشد، آنگاه شک را به نفع متهم تفسیر کرد.

نگارندگان معتقدند ایرادی که معاون دادستان به رأی صادره از شعبه بدوی دادگاه انقلاب مشهد وارد آورده است از این جهت وارد است که ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، به طور کلی وضعیت تخفیف مجازات را بیان کرده است؛ بدون اینکه حکمی در خصوص تخفیف مجازات در فرض تکرار جرم را مورد توجه قرار دهد. بدیهی است پیش‌بینی قواعد مشترک تخفیف مجازات در فرض ارتکاب جرم واحد و متعدد بعید به نظر می‌رسد و انتظار می‌رود مقنن برای افرادی که با وصف تکرار جرم شرایط تخفیف مجازات را دارند، قواعد و شرایط سختگیرانه‌تری و محدوده کمتری از تخفیف را قائل باشد. در واقع می‌توان گفت با توجه به سکوت مقنن در خصوص قواعد تخفیف مجازات در فرض تکرار جرم، باید به عموماً قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. همچنین با توجه به تبصره ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: «چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.» اساساً اعمال تخفیف در این پرونده محل تأمل است.

۲. تأثیرپذیری نگرش متهمین و محکومین به اعدام از عدم هم‌سویی

همان‌طور که در قسمت قبل اشاره شد، مروری بر پرونده‌هایی که در حوزه جرائم مواد مخدر منتهی به صدور حکم می‌شوند، حکایت از این دارد که علی‌رغم وجود نصوص قانونی مختلف در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر برای اعمال مجازات‌های سنگینی همچون اعدام و حبس ابد، در عمل شاهد آن هستیم که قضات رغبت و اصراری برای صدور چنین احکامی ندارند. به نظر می‌رسد این رویه قضایی مبتنی بر تسامح و تساهل بر نگرش متهمین و محکومین این حوزه اثر گذاشته است و آنان به تجربه دریافته‌اند که در مورد متهمین قبل از آن‌ها به‌رغم صدور محکومیت قطعی، مجازات اعدام یا حبس ابد در اثر نقض حکم

۱. به‌کار بستن این اندیشه به‌نحو فراگیر و کیفرمداری صفر و کنارزدن برنامه‌های اصلاحی، مجدداً اندیشه شکست و عدم مشروعیت نظام عدالت کلاسیک در نیل به هدف مهار بزهکاری را تداعی می‌کند. بر این اساس نمی‌توان برنامه‌های اصلاحی و درمانی را کاملاً کنار گذاشت (کونانی و سلطانی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۱۵).

توسط رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا اعمال عفو خصوصی، در عمل اجرا نشده است.^۱ لذا مبرهن است به لحاظ اینکه خیلی از احکام اعدامی که صحیحاً صادر گردیده است، در نهایت نقض یا مشمول عفو یا تخفیف قرار گرفته اند، این قانون علی‌رغم سیاست کیفری سختگیرانه، کارایی خود را از دست داده است^۲ و تا کنون اهداف مورد انتظار مقنن در خصوص پیشگیری و کاهش جرائم مواد مخدر با پیش‌بینی مجازات اعدام در این قانون، حاصل نگردیده است.^۳

به لحاظ اینکه تحلیل نگرش متهمین و محکومین حوزه جرائم مواد مخدر بدون کار میدانی و مستند، ارزش و اعتباری درخور اهمیت موضوع ندارد. لذا نگارندگان برای استحکام بیشتر پژوهش، در این قسمت به طور خاص نگرش متهمین و محکومین به اعدام در حوزه جرائم مواد مخدر را مورد بررسی قرار داده اند؛ چراکه اغلب مواردی که سیاست جنایی قضایی هم‌سو با سیاست جنایی تقنینی نمی‌باشد، مربوط به وضعیتی است که طبق قانون، مجازات متهم اعدام می‌باشد. برای این منظور نگارندگان پرسش‌نامه‌ای طراحی کرده تا به وسیله آن وضعیت نگرش متهمین و محکومین به اعدام در حوزه جرائم مواد مخدر را بررسی کنند.

از میان ۶۹ نفری که مورد تحقیق واقع شدند، پرونده اتهامی تعداد ۱۵ نفر در مرحله تحقیقات مقدماتی بازپرسی بوده است، تعداد ۱۲ نفر از مراحل دادسرا با کیفرخواست به دادگاه انقلاب صادر شده است، تعداد ۱۳ نفر پرونده آن‌ها در دادگاه بدوی منتهی به صدور حکم اعدام شده و پس از اعتراض در حال رسیدگی در دیوان عالی کشور بوده است، تعداد ۱۵ پرونده در دیوان حکم اعدام آن‌ها نقض شده است و برای رسیدگی مجدد به دادگاه هم‌عرض ارسال شده است و تعداد ۱۴ نفر نیز پس از طی مراحل فوق، حکم اعدام آن‌ها در کمیسیون عفو مطرح شده است.

جدول توزیع فراوانی وضعیت پرونده اتهامی نمونه مورد بررسی

۱. در این زمینه برخی معتقدند استفاده مکرر از نهاد عفو با مصلحت جامعه سازگار نیست؛ زیرا متعاقب آن مردم درمی‌یابند که مجازات، نتیجه ضروری اعمال مجرمانه‌شان نیست و بدین‌سان امید فریبنده‌ی رهایی از کیفر در نهادشان پرورش می‌یابد (بکاریا، ۱۳۸۰: ۸۸-۸۶).

۲. به‌عنوان مثال رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات اعدام، مخصوصاً در سال‌های اخیر از خود نرمش بیشتری نشان داده است؛ به طوری که از بین ۱۲۵ هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که طی سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است، ۲۰۰۰ فقره آن منجر به صدور حکم اعدام برای محکومان شده است و از این تعداد حکم اعدام نیز فقط دوازده درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آن یا مشمول عفو واقع شده یا به دلیل واقع‌بینی و مصلحت‌اندیشی قضات دیوان عالی کشور نقض شده‌اند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۳۳).

۳. آمارهای حاصل از پژوهش‌های مختلف در ایران، حکایت از این دارد که حدود ۵ تا ۱۰ درصد از بزهکاران، مرتکب ۵۰ تا ۶۰ درصد از جرائم می‌شوند. بزهکاران حرفه‌ای که تنها درصد اندکی از تعداد کل مجرمان را به خود اختصاص می‌دهند، بخش عظیمی از جرائم را مرتکب شده و سهم عمده‌ای در اشغال نهادهای مختلف عدالت کیفری از جمله پلیس، دادسرا و دادگاه‌ها دارند (غلامی، ۱۳۹۰: ۶).

درصد	فراوانی	وضعیت پرونده اتهامی
۲۱/۰	۱۵	تحقیقات مقدماتی بازپرسی
۱۷/۰	۱۲	صدور کیفرخواست و طرح در دادگاه بدوی
۱۸/۰	۱۳	صدور حکم بدوی - فرجام خواهی و در حال رسیدگی در دیوان
۲۱/۰	۱۵	نقض در دیوان و ارجاع به شعب همعرض
۲۰/۰	۱۴	کمیسیون عفو
۱۰۰	۶۹	جمع کل

میانگین سنی نمونه آماری برابر با ۳۸/۷ سال بود و فردی با ۷۶ سال بیشترین سن و فردی با ۲۰ سال کمترین سن را در میان جامعه آماری موصوف داشتند. از حیث وضعیت تأهل نیز تعداد ۵۸ نفر معادل ۸۴/۱ درصد از افراد متأهل؛ تعداد ۱۰ نفر معادل ۱۴/۵ درصد مجرد و یک نفر معادل ۱/۴ درصد نیز طلاق گرفته بود. از لحاظ تعداد فرزند نیز ۱۸ نفر با دو فرزند بیشترین فراوانی را داشتند و یک نفر با ۸ فرزند کمترین فراوانی را از این حیث داشت. همچنین همان طور که انتظار می‌رفت، نمونه آماری مورد تحقیق عمدتاً از لحاظ سواد در سطح پایینی بودند؛ به نحوی که ۱۰ نفر از آنان بی‌سواد، ۴۵ نفر زیردیپلم، ۱۲ نفر دیپلم، ۲ نفر فوق دیپلم بودند و در میان آن‌ها فردی که در سطح لیسانس و بالاتر باشد، وجود نداشت.^۱ از لحاظ شاغل بودن نیز ۶۴ نفر معادل ۹۲ درصد شاغل و مابقی بیکار بودند. همچنین تعداد ۳۴ نفر معادل ۴۹/۳ درصد از افراد اعتیاد به مصرف مواد مخدر داشتند و تعداد ۳۵ نفر معادل ۵۰/۷ درصد تجربه مصرف مواد مخدر و اعتیاد را نداشتند.^۲

۲-۱. امیدواری به نقض احکام اعدام در دیوان

همان طور که اشاره شد از لحاظ رویکرد بازدارندگی مجازات، آنچه تضمین‌کننده نقش پیشگیرانه برای کیفرها است، شدت مجازات نمی‌باشد بلکه حتمیت و قطعیت آن است و اینکه جامعه از اجرای آن اطمینان داشته باشد. لذا صرف پیش‌بینی اعدام برای جرمی، تا زمانی که عزم جدی برای اجرای آن نباشد، آثار مدنظر را نخواهد داشت. بر همین مبنا در پژوهش حاضر نیز حسب نظر افراد مورد تحقیق، می‌توان عدم حتمیت و قطعیت اجرای احکام اعدام را به‌عنوان یکی از عوامل خنثی‌شدن اثر بازدارندگی این مجازات سنگین برشمرد؛

۱. درخصوص میزان تحصیلات والدین متهمان نیز پدر ۶۵ نفر از آنان و مادر ۶۶ نفر از آنان بی‌سواد بوده یا تحصیلات کمتر از دیپلم داشتند و مابقی دیپلم یا فوق دیپلم بودند.
۲. برای ملاحظه نتایج پژوهشی که به روش مصاحبه‌ای درخصوص توزیع نمونه‌ای معدومین مواد مخدر از حیث محل تولد مجرم، میزان تحصیلات، شغل، سوابق کیفری، وضعیت تأهل، محل سکونت و نوع ماده مخدر بین سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۸ صورت گرفته است (نک: اکبری، ۱۳۷۹: ۲۹۱-۳۰۴).

به نحوی که در پاسخ به پرسشی در زمینه امیدواری افراد مورد تحقیق به عدم اجرای احکام اعدام در مورد آنها، تعداد ۳۰ نفر کاملاً امیدوار به عدم اجرای حکم اعدام بودند، ۲۸ نفر امیدوار، ۷ نفر بدون ابراز نظری خاص بوده و فقط ۴ نفر ناامید از عدم اجرای حکم اعدام بودند و در میان افراد مورد تحقیق فردی که کاملاً ناامید باشد، ملاحظه نشد.

جدول توزیع فراوانی نگرش نمونه آماری نسبت احتمال نقض حکم اعدام خود

درصد	فراوانی	به احتمال زیاد حکم اعدام من در مراجع عالی نقض می‌شود.
۴۳/۵	۳۰	کاملاً موافقم
۴۰/۶	۲۸	موافقم
۱۰/۱	۷	نظری ندارم
۵/۸	۴	مخالفم
۰/۰	۰	کاملاً مخالفم
۱۰۰	۶۹	جمع کل

همچنین حسب نظر اکثریت افراد نمونه آماری مورد تحقیق، قضات دیوان عالی کشور در خصوص احکام اعدام سختگیری کمتری دارند؛ به نحوی که در پاسخ به پرسشی در این زمینه تعداد ۵۲ نفر موافق یا کاملاً موافق سختگیری کمتر قضات دیوان عالی کشور در اعدام‌های مواد مخدر بودند و مابقی نظری نداشته یا مخالف بودند.

جدول توزیع فراوانی نگرش نمونه آماری نسبت سختگیری قضات دیوان عالی در تأیید احکام اعدام

درصد	فراوانی	قضات دیوان عالی کشور سختگیری کمتری دارند
۲۴/۶	۱۷	کاملاً موافقم
۵۰/۷	۳۵	موافقم
۱۵/۹	۱۱	نظری ندارم
۴/۳	۳	مخالفم
۴/۳	۳	کاملاً مخالفم
۱۰۰	۶۹	جمع کل

۲-۲. تجربه مساعدت و مسامحه قضات در سابق

نظر به اینکه آنچه مجرمان در محاسبات خود مدنظر قرار می‌دهند، بررسی موارد اجرای یک حکم است و نه شدت حکمی که در لابه‌لای متون قانونی پیش‌بینی شده است، به نظر می‌رسد قانونی با مجازات سنگین وقتی کارایی خواهد داشت که در عمل رغبتی به اجرای آن باشد. با ملاحظه سوابق کیفری افراد مورد تحقیق در زمینه مواد مخدر مشخص می‌شود که ۳۲ نفر از افراد نمونه آماری معادل ۴۶،۴ درصد سابقه محکومیت در حوزه جرائم مواد مخدر را دارند و مابقی سابقه محکومیت در این حوزه را ندارند. به‌طور میانگین میزان حبس افرادی که سابقه محکومیت داشتند نیز حدود ۲۴ ماه بود.

جدول توزیع فراوانی سابقه محکومیت در حوزه جرائم مواد مخدر

درصد	فراوانی	سابقه محکومیت در مواد مخدر
۴۶/۴	۳۲	بله
۵۳/۶	۳۷	خیر
۱۰۰	۶۹	جمع کل

نکته حائز اهمیت در خصوص افرادی که سابقه محکومیت در حوزه جرائم مواد مخدر را دارند، این است که ۲۴ نفر یعنی معادل ۷۵ درصد آنان از نهادهای ارفاقی مثل عفو، آزادی مشروط یا تعلیق استفاده کرده‌اند و فقط ۸ نفر از افرادی که سابقه محکومیت در حوزه جرائم مواد مخدر را داشتند، از چنین مواردی استفاده نکردند. این موضوع از این حیث واجد اهمیت است که افرادی که سابقاً محکومیت کیفری در حوزه مواد مخدر داشته‌اند، به تجربه دریافتند که میزان محکومیت آنان آن چیزی نیست که در متن قانون برای عمل ارتكابی آنان پیش‌بینی شده است؛ بلکه مسامحه قضات و استفاده از اختیارات قانونی و قضایی، موجب می‌شود آنان مجازاتی به مراتب کمتر از مجازات قانونی را تحمل کنند. به عبارت دیگر استفاده از عفو، آزادی مشروط یا تعلیق در خصوص برخی از محکومین، برای آن‌ها انتظاری ایجاد می‌کند که در جرائم ارتكابی بعدی نیز مساعدت سابق شامل حال آن‌ها شود و مجازات قانونی عمل ارتكابی در نظر آن‌ها سنگین جلوه نکند.

جدول توزیع فراوانی افراد دارای سابقه که از عفو، آزادی مشروط یا تعلیق استفاده کردند

درصد	فراوانی	استفاده از عفو، آزادی مشروط یا تعلیق
۷۵	۲۴	بله
۲۵	۸	خیر

۱۰۰	۳۲	جمع کل
-----	----	--------

در این راستا حتی خود متهمین و محکومین مورد تحقیق نیز به این مهم اذعان داشتند که اگر در گذشته تجربه برخورد شدیدی را می داشتند، هرگز سراغ مواد مخدر نمی رفتند و به این مرحله نمی رسیدند. برخی از افرادی که قویاً به این سؤال پاسخ مثبت دادند، بیان می کردند که طبق مجازات مندرج در قانون باید چندین سال دیگر بابت عنوان اتهامی سابق در زندان می ماندند؛ اما بهره مندی از نهادهای عفو، آزادی مشروط یا تعلیق باعث شد مجدداً به سمت فعالیت در حوزه مواد مخدر گرایش پیدا کنند و گرفتار پرونده فعلی شوند که مجازات قانونی آنان اعدام است. در واقع عدم هم سوئی سیاست جنایی تقنینی و قضایی در نظر برخی از افراد مورد تحقیق از عوامل تحریک کننده برای افراد است که در این حوزه فعالیت می کنند.

جدول توزیع فراوانی نگرش نمونه آماری نسبت نقش عدم برخورد شدید در سابق

درصد	فراوانی	اگر سابقاً برخورد شدید با من می شد سراغ مواد مخدر نمی رفتم
۵۰/۷	۳۵	کاملاً موافقم
۸/۷	۶	موافقم
۸/۷	۶	نظری ندارم
۲۰/۳	۱۴	مخالفم
۱۱/۶	۸	کاملاً مخالفم
۱۰۰	۶۹	جمع کل

۳-۲. محاسبه منافع حاصل از ارتکاب جرم با «مجازات مورد انتظار»^۱

آنچه به وضوح در خصوص احکام اعدام صادره از محاکم انقلاب مشهود است، این است که علی رغم اینکه به موجب نصوص قانونی در خصوص بسیاری از افراد نمونه آماری، باید حکم اعدام صادر و اجرا شود ولیکن در بسیاری از موارد شاهد این هستیم که یا در مرحله بدوی چنین احکامی صادر نمی شود یا چنانچه محاکم انقلاب مبادرت به صدور چنین احکامی بکنند، این احکام معمولاً تأیید و اجرا نمی شود و در بسیاری از موارد در مرحله فرجام خواهی در دیوان عالی کشور و دادستانی کل نقض می شوند و تنها موارد محدودی

1. Expected Punishment

هستند که اجرایی می‌شوند.^۱ به عبارت دیگر گاهی شدت مجازات نه تنها بازدارندگی بیشتری ندارد بلکه برعکس اثر معکوس به جای می‌گذارد؛ زیرا وقتی مجازات بسیار شدید و سخت باشد، مقامات قضایی کمتر حاضر به اعمال آن هستند و این امر به دلیل کاهش احتمال اعمال مجازات، اثر نهایی آن را کم می‌کند (یزدیان جعفری، ۱۳۸۸: ۲۱۹). اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم آیا افراد نمونه آماری از مجازات قانونی عمل ارتكابی خود اطلاع داشتند یا خیر؟ برای این منظور نویسندگان این موضوع را طی پرسشی از نمونه آماری پرسیدند و مشخص شد بخش عمده‌ای از افراد مورد تحقیق، از مجازات قانونی اعدامی که در صورت دستگیری در انتظار آن‌ها است، باخبر بودند و با علم و اطلاع از آن در این حوزه گام برداشتند؛ به نحوی که تعداد ۳۳ نفر معادل ۴۷/۸ درصد از افراد نمونه آماری اذعان کردند که از مجازات قانونی اعدام برای عمل ارتكابی خود خبر داشتند و مابقی اظهار کردند اطلاع قبلی از آن نداشتند.

جدول توزیع فراوانی اطلاع قبلی افراد از مجازات قانونی اعدام

اطلاع از مجازات قانونی اعدام	فراوانی	درصد
بله	۳۳	۴۷/۸
خیر	۳۶	۵۲/۲
جمع کل	۶۹	۱۰۰

توسل بیش از اندازه مقنن در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به مجازات‌های شدید، از جمله اعدام، ارزش و اهمیت این مجازات را از بین می‌برد و مجرمان دیگر ترسی از مجازات‌های مندرج در قانون ندارند؛ چراکه بر این باورند وقتی قضات این مجازات‌ها را عادلانه نمی‌دانند، در اعمال کیفر از خود انعطاف نشان می‌دهند.^۲ به عبارت دیگر بعضاً مشاهده می‌شود قانون‌گذاران، با تکیه بر سیاست کیفری بازدارنده به وضع مجازات سنگین می‌پردازند، ولیکن دستگاه قضایی که فرآیند رسیدگی کیفری را سامان‌دهی می‌کند، ممکن است به علت غیرعادلانه بودن کیفرها و نیز عدم رعایت اصل تناسب جرم و مجازات، آن را اعمال نکند که این امر کارکرد ارعایی کیفر را از بین می‌برد. بدین ترتیب، محتمل است که نهاد رسیدگی‌کننده برای

۱. نقض احکام اعدام به وسیله دیوان عالی کشور، نشان‌دهنده عدم هم‌سویی سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی است؛ برای مثال در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ترتیب از بین ۱۵۸۶۹ و ۱۳۲۵۲ متهمان مستحق مجازات اعدام، فقط به ترتیب ۱۷۵۲ و ۲۳۹۰ حکم اعدام صادر شده است و از این تعداد فقط ۴۰۴ و ۴۰۳ تأیید و از این میان ۲۲۴ و ۲۲۶ اجرا شده است (سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۶۷).

۲. به‌عنوان نمونه در این راستا معاون قضایی دادستان کل کشور طی بخشنامه شماره ۱۴۰/۷۸/۴۷۳۳/۹۲ مورخ ۱۳۸۵/۰۵/۱۹ اعلام کرده است که دادگاه‌ها در موارد صدور حکم اعدام، برای احتیاط نظریه آزمایشگاه را در مورد نوع ماده مخدر اخذ کنند و در صورت نقص پرونده از این جهت حکم اعدام تأیید نخواهد شد.

نیل به هدف بازدارندگی، در مرحله صدور حکم مجازاتی سبک‌تر را تجویز کند (جوان جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۲). نکته‌ای که در این زمینه نباید مورد غفلت واقع شود، این است که آنچه مجرمان را برای یک محاسبه‌گری دقیق تحریک می‌کند، بررسی موارد اجرای یک حکم است و نه شدت حکمی که در لابه‌لای متون قانونی نگاشته شده است. به‌عنوان نمونه بر اساس اطلاعات اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۷۷، تعداد محکومان به اعدام در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ حدود ۵۰۰۰ نفر بوده است که از این تعداد به‌طور میانگین ۴۵/۵ درصد آن‌ها در مرحله رسیدگی دادستانی کل و دیوان عالی کشور تأیید و اجرا شده و مابقی نقض شده است (قناد، ۱۳۷۹: ۲۱۶). برای همین است که در مباحث مربوط به بازدارندگی مجازات، بین «مجازات قانونی» و «مجازات مورد انتظار» تفاوت گذاشته می‌شود.^۱

به عبارت دیگر عدم اجرای مجازات قانونی، در مواردی باعث می‌شود افرادی که در حوزه مواد مخدر فعالیت می‌کنند، به‌جای مجازات قانونی مذکور در متون قانونی، مجازات‌های جایگزینی را که در عمل توسط قضات اعمال می‌شود، در محاسبات خود لحاظ کنند. این موضوع با مشاهده وضعیت پرونده‌های طرفیان و هم‌بندهای افراد نمونه آماری به تجربه برای آن‌ها حاصل می‌شود؛ به‌نحوی که تعداد ۵۶ نفر معادل ۸۱/۱ درصد از افراد بر این عقیده بودند که حکم اولیه بسیاری از هم‌بندهای آن‌ها علی‌رغم اینکه اعدام بوده است ولیکن به دلایل متعددی اجرا نشده است و مابقی نظری ابراز نکرده یا مخالف بودند. این امر نیز مؤید عدم قطعیت و حتمیت احکام اعدام صادره است که به‌عنوان یکی از علل خنثی‌کننده اثر اربعی مجازات اعدام در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند علل مختلفی از جمله عدم تمایل قضات به صدور احکام سنگین، احتیاط در دماء، فشارهای بین‌المللی و... داشته باشد. در این راستا بررسی آماری نشان می‌دهد که قاطعیت در اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر از سال ۱۳۷۸ تاکنون بنا به دلایل متعدد کاهش یافته است؛ به‌گونه‌ای که درصد احکام تأیید نشده در مرکز در رابطه با ماده ۳۲ در مقایسه با احکام صادره استان‌ها هر سال نسبت به سال قبل کاهش یافته است (سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۷۲).

جدول توزیع فراوانی نگرش نمونه آماری نسبت به اجرای احکام اعدام سایر هم‌بندهای خود

درصد	فراوانی	حکم اعدام بسیاری از هم‌بندهای من به سایر مجازات‌ها تقلیل یافته است
۲۷/۵	۱۹	کاملاً موافقم
۵۳/۶	۳۷	موافقم

۱. مجازات قانونی همان مجازات پیش‌بینی‌شده در قانون است؛ اما هنگامی که فرد در مقام تصمیم‌گیری برای ارتکاب جرم قرار می‌گیرد، علاوه بر شدت مجازات قانونی، قطعیت و احتمال آن را نیز در نظر می‌گیرد. مجازات مورد انتظار، نشان‌دهنده میزان واقعی مجازاتی است که در صورت ارتکاب جرم متوجه فرد خواهد شد (آشوری و صبوری‌پور، ۱۳۹۴: ۳-۲).

۷/۲	۵	نظری ندارم
۱۱/۶	۸	مخالقم
۰/۰	۰	کاملاً مخالقم
۱۰۰	۶۹	جمع کل

نتیجه

در خصوص اثر اربعایی و بازدارندگی مجازات اعدام تاکنون مطالعات نظری فراوانی خصوصاً در حوزه جرائم مواد مخدر صورت گرفته است و عمدتاً نویسندگان با برداشت‌های شخصی خود به ناکارآمدی این کیفر اشاره کرده‌اند اما تاکنون این مهم کمتر مستند به کار میدانی و بررسی رویه قضایی شده است. نویسندگان پژوهش حاضر با آوردن نمونه‌هایی از آرای صادره در حوزه جرائم مواد مخدر نشان دادند که سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در این حوزه هم‌سو نبوده و قضات تمایل و اصراری به صدور احکام سنگین خصوصاً اعدام ندارند. به عبارت دیگر آنچه مقنن در خصوص برخی جرائم ارتكابی در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر پیش‌بینی کرده است، بنا به دلایلی در عمل به اجرا گذارده نمی‌شود. این موضوع مطابق قسمت دوم پژوهش در نگرش متهمین و محکومین به اعدام در حوزه جرائم مواد مخدر تأثیرگذار بوده است؛ به نحوی که آن‌ها نیز به عدم رغبت قضات در اعمال مجازات‌های سنگین پی برده و این امر موجب کاهش اثر اربعایی مجازات اعدام و از بین رفتن کارکردهای مثبت آن شده است.

در این راستا نگارندگان معتقدند نفی کامل مجازات اعدام نیز کارگشا نخواهد بود و زهر آگین‌ترین سلاح زرادخانه کیفری باید برای وخیم‌ترین حالات در غلاف بماند و به صورت ضابطه‌مند به کار برده شود تا مورد اقبال قضات قرار گیرد و آن‌ها نیز در عمل از سیاست جنایی تقنینی فاصله نگیرند. بدیهی است حذف مجازات اعدام در بسیاری از موارد بهتر از آن خواهد بود که این مجازات به‌عنوان شدیدترین ضمانت اجرا در قوانین پیش‌بینی شود اما در عمل شاهد آن باشیم که تمایلی برای اجرای آن وجود ندارد؛ چراکه همان‌طور که اشاره شد، آنچه در محاسبات مجرمان لحاظ می‌شود، موارد اجرای یک حکم است و نه شدت حکمی که در متون قانونی ذکر می‌شود. این موضوع به‌واسطه کار میدانی صورت‌گرفته توسط نگارندگان نیز در نگرش متهمین و محکومین به اعدام در حوزه جرائم مواد مخدر نیز به‌وضوح قابل مشاهده بود و بسیاری از افراد نمونه آماری، علی‌رغم اینکه مجازات قانونی بزه ارتكابی آنان مستنداً به مواد قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود و بعضاً در مرحله بدوی محکوم به اعدام شده بودند ولیکن امیدوار به عدم اجرای محکومیت اعدام صادره در حق خود بودند که این امر به معنی از بین رفتن صلابت و کارایی مجازات اعدام در این حوزه است. این موضوع در ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۰۷/۲۶ نیز لحاظ شده است. البته با توجه به موضوع این نوشتار که مربوط به تأثیرات عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی بر نگرش متهمین و محکومین به اعدام در جرائم مواد مخدر است موجب

برای پرداختن به اثرپذیری سیاست مقنن از رویه قضایی در ماده واحد اخیرالتصویب وجود ندارد؛ ولیکن با ملاحظه ماده واحد موصوف به وضوح تأثیر رویه قضایی بر آن را مشاهده می‌کنیم؛ چراکه باعث شده است مقنن در این ماده واحد موضعی بگیرد که تاکنون سابقه‌ای در قوانین ایران نداشته است. بدین مفهوم که در این ماده واحد مقنن نسبت به افرادی که محکومیت اعدام دارند و به نوعی منتظر اجرای حکم بودند، احراز بندهای الف، ب و پ را برای اجرای اعدام لازم دانسته است؛ ولیکن شرط وزنی برای آن منظور نکرده است و با هر میزانی ولو چند تن را می‌توان مضمول این ماده واحد دانست؛ اما برای جرائمی که پس از این مصوبه ارتکاب می‌یابد، شرط وزنی موضوع بند ت لازم دانسته شده است. به نظر نگارندگان، مقنن در این ماده واحد به نوعی سعی در جبران سخت‌گیری به عمل آمده در گذشته را داشته است؛ اما به لحاظ گستردگی موضوعات مطروحه در این حوزه و اختلاف نظر اساسی قضات در این مسائل و توجهاً به اینکه موضوع دماء مسلمان در بسیاری از مواد این قانون خصوصاً در مقوله تکرار مطرح می‌شود، همچنان وضع قواعد و اصلاحات عدیده‌ای را می‌طلبد که امید است مقنن در آینده به این مهم اهتمام بیشتر ورزیده تا کمتر شاهد فاصله سیاست جنایی تقنینی و قضایی در این زمینه باشیم.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ هجدهم، تهران: نشر میزان.
- اکبری، حسین (۱۳۷۹)، «مطالعه نظری-عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران»، جلد اول، چاپ اول، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳)، «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره دوم (پاییز و زمستان).
- آشوری، محمد و صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۴)، «مقایسه اثر شدت و قطعیت حبس بر بازدارندگی آن»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳ (بهار و تابستان).
- بکاریا، سزار (۱۳۸۰)، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- بولک، برنار (۱۳۷۷)، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- پرادل، ژان (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات سمت.
- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۴)، ماهیت فلسفی و جامعه شناختی کیفر (تأملی در چیستی و کارکردهای کیفر)، تهران: نشر میزان.
- جوان جعفری، عبدالرضا؛ فرهادی آلاشتی، زهرا؛ ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۵)، «بازدارندگی و سنجش آن در فلسفه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۵)، «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱.
- صفاری، علی (۱۳۸۴)، کیفرشناسی و توجیه کیفر، از کتاب علوم جنایی، (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر) کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، جلد دوم، تهران: نشر سلسبیل.

- صلاحی، جاوید (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، تهران: نشر میزان.
- عبداللهی، احمد (۱۳۹۰)، «نگرش دانشجویان و اساتید دانشگاه شهید بهشتی نسبت به مجازات اعدام»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰)، «درآمدی بر آسی‌شناسی سیاست‌گذاری جنایی در قبال پیشگیری از تکرار بزهکاری و بزه‌دگی در ایران»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱.
- قناد، فاطمه (۱۳۷۹)، «مطالعه نظری-عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران»، جلد اول، چاپ اول، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، جلد اول، تهران: شرکت سهام انتشارات.
- کونانی، سلمان؛ سلطانی بیگدلی، رضا (۱۳۸۹)، «اصلاح و درمان مجرمان در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه تعالی حقوق، شماره‌های ۸ و ۹.
- منسکیو، بارن (۱۳۷۰)، روح‌القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- والک لیت، ساندر (۱۳۸۶)، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات میزان.
- وایت، راب؛ هنیز، فیونا (۱۳۸۳)، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات میزان.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۸)، «فرآیند بازدارندگی مجازات (موانع و محدودیت‌ها)»، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره چهارم.